فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) در گفت‌وگو با «جوان» خاطرات حاج احمد متوسلیان و شهید همت را مرور می‌کند

عطر دل‌انگیز شهادت هنوز از لشکر ۲۷ به مشام می‌رسد

احمد محمدتبریزی

سیدعلی بنایی فرمانده لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) با ۳۷ سال سابقه خدمت در سپاه و بسیج همچنان خستگی‌ناپذیر کار می‌کند. همان روحیه رزمندگان در دهه ۶۰ را حفظ کرده و با اشتیاق در لشکر خدمت می‌کند. این پیشکسوت عرصه جهاد و مقاومت، خاطرات زیادی از فرماندهانی چون حاج احمد متوسلیان، شهید حاج ابراهیم همت، شهید عباس کریمی و بسیاری دیگر از شهدای دفاع مقدس دارد. برای مرور این خاطرات باید ساعت‌ها با ایشان صحبت کرد و با هر خاطره سفری دل‌انگیز به روزهای دفاع مقدس داشت. سیدعلی بنایی در دوران دفاع مقدس در لشکرهای ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) و ۱۰ سیدالشهدا(ع) حضور داشته است و گفتنی‌های بسیاری از آن روزها دارد. با حضور در دفتر ایشان ساعتی را پای صحبت‌های فرمانده لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) نشستیم و گذری بر خاطرات و اتفاقات لشکر داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

حمیدرضا نیک‌عهد | جوان

شما از چه زمانی وارد لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) شدید؟

من از اواخر سال ۱۳۵۹ در سن ۱۴ سالگی وارد جنگ شدم. سن زیادی نداشتم و خاطرم هست اولین دوره آموزشی را در پادگان امام حسین(ع) گذراندم و از آنجا به سرپل ذهاب و پادگان ابوذر اعزام شدم. برای عملیات فتح‌المبین در تیپ المهدی(عج) بودم و بعد از عملیات بیت‌المقدس به لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) آمدم و تا زمان عملیات بدر در لشکر حضور داشتم. بعد از عملیات بدر به لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) رفتم و تا سال ۱۳۸۶ در این لشکر بودم. پس از ادغام سپاه و نواحی به سپاه تهران وصل شدیم و فرماندهی تیپ حضرت زهرا(س) را بر عهده گرفتم. سال ۱۳۹۷ بنا به تدبیر فرماندهی کل سپاه تهران به عنوان فرمانده لشکر ۲۷ مشغول به خدمت شدم.

لشکر ۲۷ چه سالی تأسیس شد؟

لشکر ۲۷ تقریباً نیمه دوم سال ۱۳۶۰ شکل گرفت. هسته اولیه لشکر از سپاه کردستان توسط حاج احمد متوسلیان و شهید ابراهیم همت شکل گرفت و بعدتر برای عملیات فتح‌المبین آماده شد و در فتح‌الفتوح این عملیات شرکت کرد. منطقه عملیاتی لشکر در عملیات فتح‌المبین بسیار منطقه حساس و مهمی بود که به دفع پاتک‌های سنگین عراق پرداخت. حاج احمد و همرزمانش در این عملیات حماسه آفریدند. اولین توپخانه دشمن که بالغ بر ۵۰ توپ ۱۳۰ داشت توسط گردان‌های لشکر ۲۷ فتح شد و اولین هسته توپخانه سنگین سپاه بعد از عملیات فتح‌المبین شکل گرفت.

حالات شخصیتی حاج احمد جاذبه بسیار بالایی در میان نیروهای لشکر داشت. نبود ایشان چقدر برای نیروها سخت بود؟

زمانی که حاج احمد طبق دستور فرمانده کل سپاه از مریوان برای تشکیل تیپ ابلاغ گرفت، من سن زیادی نداشتم و برخورد زیادی با ایشان نداشتم ولی عشق و ارادت نیروها به فرمانده‌شان را به یاد دارم. حاج احمد از نظر محاسن اخلاقی، جذبه، برادری و بزرگی داشت و منش پهلوانی و جوانمردی در رفتارشان هویدا بود و تمام نیروهای لشکر به فرماندهی حاج احمد می‌بالیدند. بعد از اعزام لشکر به سوریه و لبنان و به اسارت درآمدن حاج احمد، ضربه بزرگی نه تنها به لشکر بلکه به کل سپاه وارد شد. این اتفاق برای سپاه ضربه بسیار بزرگی بود ولی از آنجایی که مدیریت امام به جوانان تکیه داشت، سریع شهید همت فرمانده لشکر شد تا خدشه‌ای در مأموریت لشکر به وجود نیاید. نیروها همان عشق و محبتی را که به حاج احمد داشتند، به شهید همت نیز ابراز می‌کردند. حاج احمد برای کشور و جبهه یک وزنه بود. بسیار مدیر، مدبر و فرمانده شجاعی بود. با جراحت در خط و محورها می‌ایستاد و عملیات را پشتیبانی و مدیریت می‌کرد. حاج احمد و دیگر فرماندهان از نیروهایشان پیشی می‌گرفتند و در خط مقدم مبارزه می‌کردند. شجاعت و اقتدار پدرانه حاج احمد را سخت می‌توان بیان کرد. نیروها برای حاج احمد جان می‌دادند. هر جایی می‌رفت نیروها، او را روی دست می‌گرفتند. آن زمان گردان‌ها ۳۰۰ نیرو داشتند و اگر حاج احمد برای جلسه و بازدید وارد گردانی می‌شد، دو ساعت طول می‌کشید تا خارج شود. نیروها نمی‌گذاشتند ایشان از گردان خارج شود. حالا حساب کنید روزهایی که در جمع نیروهای لشکر در دوکوهه صحبت می‌کرد، حال و هوایی در لشکر حاکم می‌شد.

شما به چشم یک نوجوان ۱۴ ساله حاج احمد را چطور انسانی می‌دیدید؟

من وقتی حاج احمد را می‌دیدم انگار کوه دیده بودم. هرجا حاج احمد حضور داشت خیالمان راحت بود که آنجا امن است. اقتدار و مدیریت‌شان خیال همه را راحت می‌کرد. دشمن وحشت زیادی از حاج احمد داشت. دیگر فرماندهان هم به همین شکل بودند. در عملیات خیبر وقتی نیروها شهید همت را در خط مقدم می‌دیدند عشق می‌کردند. فکر می‌کردند حاج ابراهیم مثل یک زره محافظ برای آنهاست و برای همه قوت قلب بود.

بین شیوه فرماندهی شهید همت و حاج احمد چه تفاوت‌هایی وجود داشت؟

حاج احمد و حاج همت مکمل همدیگر بودند و لطافت و مهربانی‌شان یکسان بود. از هر حیث دلسوز نیروها بودند. بین شیوه فرماندهی‌شان هیچ تفاوتی نبود. من شنیده‌ام هنگام قبول فرماندهی لشکر خیلی بین‌شان بحث و جدل بود که کدام عزیز فرمانده شود. به راحتی مسئولیت قبول نمی‌کردند. از خاطرات بزرگان لشکر شنیده‌ام که در ابلاغ فرماندهی اصلاً زیر بار نمی‌رفتند و در آخر با اصرار دوستان و شهید همت، حاج احمد مسئولیت فرماندهی را قبول می‌کند. جاویدالاثر متوسلیان خیلی اصرار داشته که آقای شهبازی و شهید همت فرمانده شوند. نیروها زمان جنگ از همدیگر سبقت می‌گرفتند که مسئول نباشند و در قامت یک نیروی رزمنده بتوانند دینشان را به انقلاب و مردم و امام ادا کنند. انسجامی که ما در دفاع مقدس داشتیم را در هیچ جای دنیا نمی‌توان پیدا کرد. جنگی که ما کردیم جنگ بی‌نظیری در دنیا بود. دو ابرقدرت پشت صدام بودند و اگر این انسجام نبود ما همان سال‌های اول جنگ لطمه می‌خوردیم. آنقدر وحدت بین نیروها بود که صدام در همان روزهای اول جنگ درخواست آتش بس داد.

شما برای شهادت شهید همت در کرد. نیروها زمانی که فرمانده‌شان را می‌دیدند انگار یک کوه و دهها لشکر دیده بودند. آنقدر این فرماندهان گیرا، جذاب و مقتدر بودند. به رغم فرمانده لشکری و هیمنه‌شان مثل یک نیروی عادی کنار رزمندگان حضور داشتند. بچه‌ها با دیدن فرمانده‌شان عشق دنیا را می‌کردند. اگر نیرویی مریض می‌شد و کسی توجه نمی‌کرد، حاج احمد مسئول مربوطه را بازخواست می‌کرد و دلیلش را می‌پرسید. حاج احمد و حاج همت را همه نیروها دوست داشتند.

> حاج‌عباس مسئولیت اطلاعات سپاه مریوان را بر عهده داشت و با حاج احمد این لشکر را شکل داد و تقریباً یک سال فرمانده لشکر بود. در مدت فرماندهی ایشان عملیات زیادی انجام نشد تا حاج عباس شناخته شود. حاج عباس پس از اینکه فرمانده لشکر شد در عملیات بدر به شهادت رسید

خیبر به لحاظ سختی عملیات و منطقه عملیاتی یکی از سخت‌ترین عملیات‌هایتان بود؟

بله، هوای منطقه بسیار سرد بود. خیبر در زمستان انجام می‌شد و جایی که کار می‌کردیم آب و نی و باد بود. سرمای عجیبی حاکم بود. در منطقه آب بود و باد که وقتی می‌وزید، استخوان‌هایمان درد می‌گرفت. شرایط جنگیدن هم سخت بود. زمین باتلاقی بود و خاکریزهای نه چندان محکم داشت. با همه سختی‌ها نیروها کم نیاوردند. بارندگی‌های شدیدی در منطقه می‌گرفت و آبگرفتگی و موانعی به صورت طبیعی ایجاد می‌کرد که جلوی بچه‌ها را نگرفت و آنها با قدرت وارد شدند.

در میان فرماندهان لشکر ۲۷ کمتر از شهید عباس کریمی صحبت شده است. ایشان برای نیروهای لشکر چطور فرمانده‌ای بودند؟

حاج‌عباس مسئولیت اطلاعات سپاه مریوان را بر عهده داشت و با حاج احمد این لشکر را شکل داد و تقریباً یک سال فرمانده لشکر بود. در مدت فرماندهی ایشان عملیات زیادی انجام نشد تا حاج عباس شناخته شود. حاج عباس پس از اینکه فرمانده لشکر شد در عملیات بدر به شهادت رسید. فرماندهان ما در خط مقدم جلوتر از نیروها می‌جنگیدند و شهید می‌شدند. حاج‌عباس هم برای لشکر وزنه‌ای بود. شهید کریمی یکی از نیروهای اطلاعات عملیات قدری بود که بعد از شهید همت لیاقت فرماندهی را داشت و همه قبولش داشتند. فرماندهی لشکر ۲۷ خیلی کار سخت و مهمی بود چون یک لشکر بسیار پرقدرت بود و هرجایی که این لشکر حرکت می‌کرد یک یا دو لشکر بعثی به موازاتش در خط حرکت می‌کردند.

حال و هوای اعزام نیروهای سپاه یکصد هزار نفری محمد رسول‌الله به جبهه‌ها را به یاد دارید؟

آن زمان دشمنی وارد خانه شده بود و همه متحد و هم قسم بودند تا دشمن را از کشور بیرون کنند. مردم شرایط اقتصادی سختی داشتند و با این حال جنگ را با مدیریت حضرت امام انجام دادند و کمر غرب و شرق و کل دنیا را خم کردند. دشمنان با وجود تمام حمایت‌هایشان نتوانستند وجبی از خاکمان را بگیرند. بخشی از اعزام در تهران بود و کل کشور چنین اعزام‌هایی داشت. اتفاقاً سال پیش حضرت آقا در تجمع عظیم صدهزار بسیجی از آن سال و اعزام سپاه محمد یاد کردند. در این دیدار مثل سال‌های دفاع مقدس همان شور و شوق بود و نیروها به عشق رهبر به ورزشگاه رفتند و مراسم بسیار باشکوهی برگزار کردند.

یکی از فرماندهان لشکر شهید رضا فرزانه است. ایشان را چطور همرزم و فرمانده‌ای شناخته بودید؟

حاج رضا از زمان جنگ فرمانده ادوات بود. چند تا از بچه‌محل‌های ما در تیپ ذوالفقار در ادوات بودند و با رضا فرزانه ارتباط دشتند و من هم از آنجا با حاج‌رضا آشنا شدم. پس از اینکه یگان‌ها ادغام شد و ما جزو سپاه تهران شدیم با آقا رضا آشنایی بیشتری پیدا کردم. زمان جانشینی آقا رضا در تیپ و لشکر همراه ایشان بودم. بسیار مدیر، دلسوز و باتقوا بود. کوچک‌ترین مسائل بچه‌ها را پیگیری می‌کرد و به دنبال رفع مشکلات بچه‌ها بود. بارها به خانواده نیروها در شهرستان‌ها سر می‌زد. اگر بین بچه‌ها اختلافی خانوادگی یا موضوعی بود ایشان وارد می‌شد و مشکل را حل می‌کرد. پس از چند سالی که آقا رضا فرمانده لشکر بود، طبق سنوات جابه‌جایی صورت می‌گیرد و جای دیگر مشغول به خدمت می‌شود و از آنجا به سوریه می‌رود و به چیزی که لایقش بود، می‌رسد. خیلی پاک، درست و دوستداشتنی بود. روحیه رزمندگان دهه ۶۰ را داشت و با بچه‌ها راحت بود. هر کسی می‌خواست مشکلش را مطرح کند اگر توان حل کردنش را نداشت غمخوارش می‌شد. با همان روحیه دهه شصتی‌اش به سوریه رفت و به عنوان رزمنده به شهادت رسید.

با سردار شهید همدانی هم آشنایی داشتید؟

شهید همدانی را از دور می‌شناختم و آوازه‌اش را از دور شنیده بودم. ایشان از زمانی که فرمانده سپاه تهران شد به طور مستقیم در خدمت‌شان بودم. شهید همدانی یک مرد شریف، بااخلاص، باتقوا، رئوف، مهربان و مدیر بود. واقعاً حبیب دل‌ها و مرد بزرگ و قابل احترامی بود.

شما چه احساسی دارید جایگزین

> لشکر ۲۷ ویژگی‌های زیادی دارد ولی همان جمله حضرت آقا که فرمودند بوی شهادت از این لشکر به مشام می‌رسد، بزرگ‌ترین ویژگی است که می‌توان برای لشکر به کار برد. خاکی بودن و صاف و ساده بودن نیروها ویژگی مهم دیگر این لشکر است

انسان‌های بزرگی مثل حاج احمد، شهید همت و شهید کریمی شده‌اید؟

برایم خیلی سخت است. اگر بخواهم مثل آنها بشوم که نمی‌شود. این شهدا چهره‌هایی ملی هستند که اگر بخواهیم جایشان باشیم خیلی سخت است. باید امانتدارشان باشیم تا خلق و خو و جهادگری‌هایشان را به بچه‌ها برسانیم. من نهایت تلاشم را کرده‌ام تا مثل بچه‌های زمان جنگ باشم. هدفم این است مثل بزرگانمان در دفاع مقدس باشم. در شرایط فعلی جامعه باید اعتقاد بالایی داشته باشیم چون دشمن در مسائل اجتماعی و اقتصادی کمین کرده تا از این نقاط وارد شود. می‌خواهد نقاط ضعف افراد را پیدا کند و با نفوذش به نظام و انقلاب ضربه بزند. الگوگیری از این بزرگان در هر شرایط و موقعیتی کمک حالمان است و صحبت‌های رهبری باید آویزه گوشمان باشد و در این صورت فقط نه در این دنیا بلکه در کل دنیا بیمه خواهیم بود.

فرماندهان زیادی از لشکر ۲۷ به شهادت رسیده‌اند، شما آمادگی شهادت را دارید؟

من صبح که از خانه بیرون می‌آیم آمادگی شهادت را دارم. دوست دارم در این راه شهید شوم نه در بستر از دنیا بروم. این شهادت چیزی است که نصیب هر کسی نمی‌شود. کسانی که شهید می‌شوند معامله‌ای با خدا کرده‌اند. اشکالی در کار من هست که تا الان مانده‌ام.

نیروهای جوان‌تر توجیه هستند وارد رضا فرمانده لشکر بود، طبق سنوات جابه‌جایی صورت می‌گیرد و جای دیگر مشغول به خدمت می‌شود و از آنجا به سوریه می‌رود و به چیزی که لایقش بود، می‌رسد. خیلی پاک، درست و دوستداشتنی بود. روحیه رزمندگان دهه ۶۰ را داشت و با بچه‌ها راحت بود. هر کسی می‌خواست مشکلش را مطرح کند اگر توان حل کردنش را نداشت غمخوارش می‌شد. با همان روحیه دهه شصتی‌اش به سوریه رفت و به عنوان رزمنده به شهادت رسید.

با سردار شهید همدانی هم آشنایی داشتید؟

شهید همدانی را از دور می‌شناختم و آوازه‌اش را از دور شنیده بودم. ایشان از زمانی که فرمانده سپاه تهران شد به طور مستقیم در خدمت‌شان بودم. شهید همدانی یک مرد شریف، بااخلاص، باتقوا، رئوف، مهربان و مدیر بود. واقعاً حبیب دل‌ها و مرد بزرگ و قابل احترامی بود.

شما چه احساسی دارید جایگزین

> لشکر ۲۷ ویژگی‌های زیادی دارد ولی همان جمله حضرت آقا که فرمودند بوی شهادت از این لشکر به مشام می‌رسد، بزرگ‌ترین ویژگی است که می‌توان برای لشکر به کار برد. خاکی بودن و صاف و ساده بودن نیروها ویژگی مهم دیگر این لشکر است

انسان‌های بزرگی مثل حاج احمد، شهید همت و شهید کریمی شده‌اید؟

برایم خیلی سخت است. اگر بخواهم مثل آنها بشوم که نمی‌شود. این شهدا چهره‌هایی ملی هستند که اگر بخواهیم جایشان باشیم خیلی سخت است. باید امانتدارشان باشیم تا خلق و خو و جهادگری‌هایشان را به بچه‌ها برسانیم. من نهایت تلاشم را کرده‌ام تا مثل بچه‌های زمان جنگ باشم. هدفم این است مثل بزرگانمان در دفاع مقدس باشم. در شرایط فعلی جامعه باید اعتقاد بالایی داشته باشیم چون دشمن در مسائل اجتماعی و اقتصادی کمین کرده تا از این نقاط وارد شود. می‌خواهد نقاط ضعف افراد را پیدا کند و با نفوذش به نظام و انقلاب ضربه بزند. الگوگیری از این بزرگان در هر شرایط و موقعیتی کمک حالمان است و صحبت‌های رهبری باید آویزه گوشمان باشد و در این صورت فقط نه در این دنیا بلکه در کل دنیا بیمه خواهیم بود.

فرماندهان زیادی از لشکر ۲۷ به شهادت رسیده‌اند، شما آمادگی شهادت را دارید؟

من صبح که از خانه بیرون می‌آیم آمادگی شهادت را دارم. دوست دارم در این راه شهید شوم نه در بستر از دنیا بروم. این شهادت چیزی است که نصیب هر کسی نمی‌شود. کسانی که شهید می‌شوند معامله‌ای با خدا کرده‌اند. اشکالی در کار من هست که تا الان مانده‌ام.

نیروهای جوان‌تر توجیه هستند وارد لشکر و با چه سابقه‌ای شده‌اند؟

لشکر ۲۷ یک لشکر ملی است. اولین لشکری بود که سال ۶۰ وارد سوریه و لبنان شد و حماسه آفرید. نیروهایی که می‌آیند از پیشینه لشکر اطلاعات دارند. در رسانه‌ها درباره لشکر زیاد صحبت می‌شود و چند فیلم سینمایی هم مثل «تنگه ابوقریب» و «ایستاده در غبار» درباره‌اش ساخته شده است. تنگه ابوقریب حماسه گردان عمار لشکر ۲۷ بود. اگر دلاوری نیروهای گردان عمار اتفاق نمی‌افتاد، صدام دوباره می‌آمد، خوزستان را محاصره می‌کرد و خواسته‌های خودش را در مجامع جهانی به نمایش می‌گذاشت. این حماسه گردان عمار بود که اجازه نداد چنین اتفاقی بیفتد. لشکر ۲۷ لشکر بنامی است که حضرت آقا هم در این لشکر حضور داشته و بچه‌ها را مورد تفقد قرار داده و از لشکر تعریف کرده است. کلام معروف‌شان با مضمون «هنوز عطر دل‌انگیز شهدا از این لشکر به مشام می‌رسد» در دل و جانمان نقش بسته است.

لشکر ۲۷ چند شهید مدافع حرم را در مبارزه با تروریست‌های تکفیری داشته و در مسائل اجتماعی نیز فعالیت دارد؟

لشکر تا به الان ۱۶ شهید مدافع حرم را تقدیم اسلام و اهل‌بیت (ع) کرده است. در زلزله کرمانشاه بدون ابلاغ لشکر حرکت کرد و بخش اعظم کار در سرپل ذهاب را به عهده گرفت و بیش از ۲۰ روستا را بازسازی کرد. در سیل امسال اولین کاروان بودیم که به آق‌قلا رسیدیم و فعالیت کردیم. در سوسنگرد نیز سپاه حضرت رسول(ص) مأموریت گرفته و از کمکی دریغ نمی‌کند. به هر نحوی شده به مردممان کمک می‌کنیم. یکی از وظایف سپاه در قانون اساسی حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است که مردم هم جزو انقلاب هستند و به ما مأموریت داده می‌شود تا از مردم و انقلاب در هر زمینه‌ای دفاع کنیم. به شکر خدا روحیه نیروهای فعلی با دوران دفاع مقدس فرقی نکرده و نیروهای جوان خیلی شجاع و داوطلب هستند. همه آماده اعزام به مأموریت‌های مختلف هستند. با اینکه در شرایط اقتصادی سخت قرار دارند ولی از نظر جهادی و انقلابی پای کار هستند.

اگر بخواهید یک ویژگی خاص برای لشکر ۲۷ بگویید چه ویژگی خواهد بود؟

لشکر ۲۷ ویژگی‌های زیادی دارد ولی همان جمله حضرت آقا که فرمودند بوی شهادت از این لشکر به مشام می‌رسد، بزرگ‌ترین ویژگی است که می‌توان برای لشکر به کار برد. خاکی بودن و صاف و ساده بودن نیروها ویژگی مهم دیگرشان است. نیروهای لشکر بسیار مظلوم و جهادی هستند. نیروهای خوب و پاکی از لشکر در سوریه به شهادت رسیدند که جایشان واقعاً کنارمان خالی است. به رغم اینکه مسئولیت‌های کلانی نداشتند ولی هر کدام وزنه‌ای برای لشکر بودند و با شهادتشان الگوهای کاملی برایمان ساختند.

طراح: علیرضا سجادی‌فر ■ شماره ۵۷۶۰

جدول

از راست به چپ

■ ۱- مال نماز نباید غصبی باشد- نخلستان غصب‌شده حضرت زهرا(س)- کار و تمرین مستمر و بی‌وقفه ■ ۲- تحمل کردن- رنگ زرد روشن ■ ۳- ورق کاغذ- واحد شمارش کباب- مغز سر - از شما دور باد ■ ۴- تیرگی و دلتنگی- تاکنون - درخت مقاوم کویری ■ ۵- نام دیگر سیاره مریخ- همپا و همقدم ■ ۶- کلمه شرط- دیوی در شاهنامه- جنبنده از سرما یا ترس ■ ۷- پهلو و کنار- شجاع- اثر آلبر کامو ■ ۸- سراینده گرشاسب‌نامه- عادی و معمولی- توخالی و پوک ■ ۹- قوی و پرتوان- وابسته شاغل در سفارتخانه- پراکندگی ■ ۱۰- گردهمایی- ازدحام جمعیت- قدیمی و دیرینه ■ ۱۱- دمابان - پاک کردن ■ ۱۲- ورزش محبوب ایرانی‌ها- اتحادیه فوتبال اروپا- متنفر ■ ۱۳- عقاید و نظرات- آشکار و روشن- زیرکی- آش ■ ۱۴- شهر مقر حکومت در سرزمین ماتادورها- منظره و دورنما ■ ۱۵- فرآورده‌های غذایی مفید- اتمسفر کره زمین- شکنندگی

از بالا به پایین

■ ۱- کلام نیش‌دار و گزنده- شهرت و معروفیت- بی‌عیب و نقص ■ ۲- قطب منفی پیل- متداول و رایج- نوشیدنی حرام ■ ۳- مایع هستی‌بخش- مرضی کشنده- خصومت و نزاع ■ ۴- ناخالص- عدم رغبت، تمایل نداشتن ■ ۵- هنر نقاشی روی شیشه- کاشتن جوانه گیاه- امر به آمدن ■ ۶- خجسته و مبارک- کالای نو- آقایی و سروری ■ ۷- هر جانور درنده- مسطح - گله و شکایت ■ ۸- حفر کردن- کامل کردن- قلم‌موی رنگزنی ■ ۹- خوارکرده و اهانت‌آمیز- ملکه هخامنشی- نمایش تلویزیونی ■ ۱۰- همراه- شیوایی و فصاحت- گرما ■ ۱۱- ابر- رنگی از خانواده قرمز- از پرداخت‌های داماد به عروس خانم در قدیم ■ ۱۲- پایه و بنیاد- محلی برای تولید- دینداری ■ ۱۳- ترسو و بزدل مفهوم این عبارت کنایه‌گونه است- مال‌اندوزی- مروارید ■ ۱۴- انبار غله- جاویدان و زوال‌ناپذیر- سرسبز ■ ۱۵- موج دریا- پنهان‌شدن- کاشف الکل

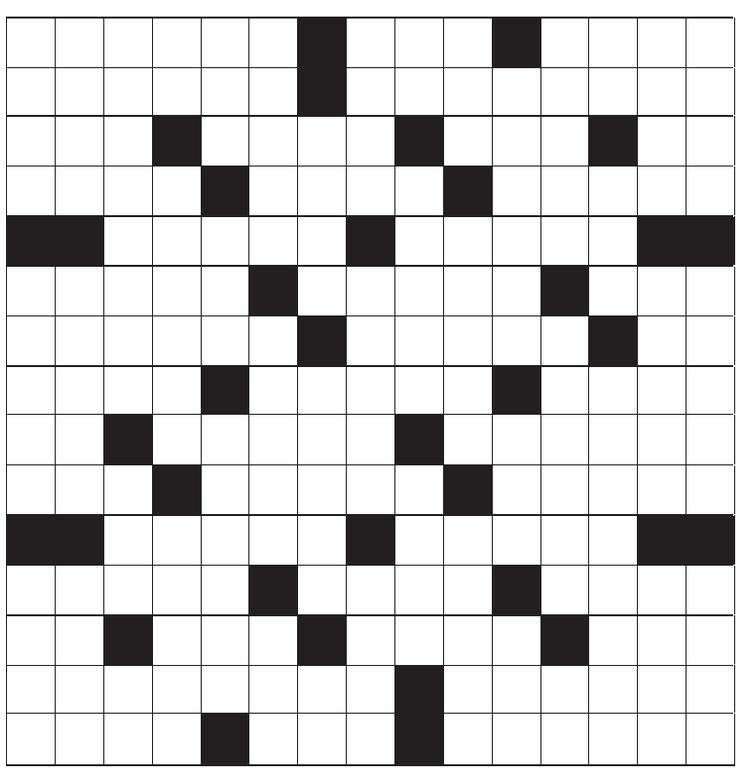

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵	۶	۲						
						۱	۷	
			۳	۸				
۳	۴				۹			
		۵						۳
۸		۹				۵		
				۷			۴	۲
			۵		۶		۸	
	۹							

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۷۵۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ف	ل	ا	د	ل	ف	ی	ا	■	ا	ن	ب	ی	ا
۲	و	■	س	پ	ی	د	■	ر	ن	ه	■	ت	ل	ا	ش
۳	ر	ل	■	ر	و	■	ه	ا	ش	م	ی	■	و	م	و
۴	و	ا	ل	ا	■	س	و	■	ا	س	ر	ا	ف	■	ر
۵	ا	ر	گ	■	ل	ی	ت	ر	■	ر	ن	د	■	گ	ی
۶	ر	ی	■	س	ی	ا	ن	و	ر	■	ا	■	د	ن	ا
۷	د	■	م	و	ن	ل	■	ح	م	د	■	ر	و	ب	ن
۸	■	ا	ت	■	ت	ا	پ	■	د	ا	س	■	س	د	■
۹	ا	س	ی	ر	■	ن	ر	س	■	ن	ف	ر	ت	■	ا
۱۰	ت	ی	ن	■	ت	■	ز	ا	پ	ا	ت	ا	■	ب	س
۱۱	ا	د	■	ر	و	م	■	ک	ن	ی	ه	■	ک	ا	ت
۱۲	ز	■	ک	ا	ن	ا	ل	■	ی	ی	■	ا	ش	ت	ی
۱۳	و	ر	ا	■	س	ی	گ	ا	ر	■	ل	م	■	ر	ض
۱۴	ن	و	ر	د	■	ل	ا	خ	■	ی	ح	ی	ی	■	ا
۱۵	ی	د	د	ا	ر	■	م	ض	ا	ی	ب	م	س	ی	ح